

جمال عبدالناصر

فلسفه اسلام

ترجمہ

حسن فرامرزی



فلسفہ اسلامی

فلسفه اسلام

به قلم: جمال عبدالناصر

ترجمه: حسن فرامرزی



☐ فلسفه اسلام

☐ نوشته : جمال عبدالناصر

☐ ترجمه : حسن فرامرزی

☐ چاپ اول : ۱۳۵۷

☐ چاپ و صحافی : کاویان

☐ کلیه حقوق برای مترجم و ناشر محفوظ است

☐ طرح روی جلد از منوچهر رضائی پناه

☐ قیمت : ۴۰ ریال



تهران - خیابان شاهر ضار و بروی دانشگاه

این مطلب را جمال عبدالناصر برای مجله
مسلم دایجست (MUSLIM DIGEST) نوشته است تا
در شماره آوریل ۱۹۵۹ مجله مذکور چاپ شود.
عبدالناصر در مقدمه این مقاله، درود گرم خود
را به مسلمانان جنوب آفریقا فرستاده است.

اسلام، دینی است مبنی بر توحید و ایمان به خداوند
و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و پیامبران و روز قیامت.
هر مسلمانی اعتقاد راسخ دارد که خداوند، شریك
ندارد. یكتاست. به دنیا نیامده است و به دنیا نخواهد آورد
و بی همتاست. اوست که تواناست. آفریننده است. پادشاه
و مالك كون و مكان است. از قدرت اوست که همه ستارگان
منظومه شمسی با يك حساب دقیق هندسی، شب و روز در
حرکتند که از نظر حساب و دقت، هیچ چیزی با آن برابری
نمی‌کند.

خداوند، همه جا هست. همه را می‌بیند و هیچ امری
از نظر او پوشیده نیست. او بینا و شنواست.

هر خیری که در زندگی نصیب انسان بشود. از رحمت
خداوند باری تعالی است و هر شری که دامن گیر افراد بشر
گردد، ناشی از اعمال زشت و ناپسندی است که او مرتکب
می‌شود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «هر خیری که به

تو برسد، از جانب خداست و هر شر، ناشی از رفتار خودتست». عدالت خداوند قادر متعال از آنجا روشن می شود که یزدان پاك، پیامبران برجسته خود را برای هدایت خلق گسیل فرموده است. کسانی که او امر خدا و پیامبر را اطاعت کنند، از دو بهشت: یکی درین دنیا و دیگری در دنیای آخرت بهره مند خواهند شد.

طبیعی است افرادی که از اطاعت پروردگار بی نیاز سر باز زنند، هم درین دنیا عقوبت خواهند دید و هم در دنیای آخرت از رحمت ایزدی محروم خواهند شد. خداوند برای بندگان، خوبی و بدی را مقیاس قرار داده است و الا همان گونه که در قرآن کریم فرموده است: «ما نیازی نداریم پیامبران را بفرستیم جز برای هدایت خلق» نیازی به فرستادن پیامبران نبود.

از اینجا می توان فهمید که اسلام ایمان دارد که انسان آزادست و خود او مسؤول اقدامات خویش است و جبر با روح دین مبین اسلام منافات دارد. دلیل دیگری از عدالت خداوندی اینست که خداوند هنگامی مردم را به پای میز حساب می کشد که پیامبران و واعظان و مرشدان و راهنمایان را برای هدایت بشر تعیین می کند.

مسلمان باید ایمان به مسؤولیت داشته باشد. به بهشت و دوزخ معتقد باشد. باید بداند که دنیای دیگری هم هست و باید حساب پس بدهد. باید بداند که پس از مرگ

بار دیگر زنده می شود و هر فردی در برابر میز عدالت خداوندی قرار می گیرد. آنچه را که در دنیای فانی انجام داده اند، خوب و بد حساب می شود.

اسلام، دینی است که با طبیعت انسان سازگار است، زیرا با خلقت آدمی و امکاناتش مطابقت دارد. اسلام شریعتی است که احساسات و تمایلات انسانی را خوب درک می کند.

اسلام از جمله ادیان نادری است که می تواند اتحاد مردم را حفظ کند و نیازمندی های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی همه را فراهم آورد. اسلام، دینی است که اجتماع بشری را قادر به حفظ اصول و احترام به عقیده دیگران می کند.

از نظر اجتماعی، هدف اسلام تنظیم يك اجتماع سالم و متکامل است که نیازمندی های مختلف و طبیعی انسان را برآورده می کند.

از لحاظ سیاسی، اسلام رژیم دمکراتیک را اساس حکومت قرار داده است و مسئله مشورت که همان جنبه امروزی مجلس شورای ملی دارد، برین پایه استوار است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وامرهم شوری بینهم» یعنی: در کارها با یکدیگر مشورت می کنند.

اسلام، مسؤولیت انتخاب حاکم را به عهده ملت گذاشته است و کما اینکه در صدر اسلام، انتخاب

حاکم با نظرمملت بود.

لازم است گفته شود که اسلام به آزادی فردی اعتقاد کامل دارد. اسلام خواستار مساوات بین همه افراد بشر است. اسلام اجازه نمی‌دهد که انسانی از انسان دیگر، خواه از لحاظ نژاد یا ملیت یا وراثت بر دیگری برتری داشته باشد. پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید: «مردم مانند.. شانه یکسانند.» و در قرآن کریم فرموده است: «لا فضل لعربی علی عجمی الا بالتقوی» (هیچ عربی بر عجمی برتری ندارد مگر در پرتو تقوی) و در جای دیگر حضرت رسول اکرم می‌فرماید: «من همراه هر آدم پرهیزکاری هستم حتی اگر سیاه‌پوستی باشد. و از هر فاسق و فاجری نفرت دارم، حتی اگر سید قرشی باشد.»

این آیات شریفه و احادیث شریف نشان می‌دهد که چرا خداوند قادر متعال، اسلام را برای نجات بشریت از بندگی و بردگی و نابرابری مقرر فرموده است. همه برای این است که مردم را ارشاد کند.

خداوند پیامبران را از آن مبعوث فرموده است که برادری و برابری و هم بستگی در میان افراد بشر حکم فرما باشد و اسلام، خاتم همه ادیان است و خداوند، این قدر و منزلت را برای حضرت محمد بن عبدالله قائل شده است. مقام رفیع در اسلام، جدا از پول و مقام است، ولی

می‌توان از طریق کارهای خیر و خدمت به مردم به دست آورد. می‌توان از راه اطاعت خداوند قادر متعال تحصیل کرد. پروردگار یکتا و خالق جهانیان می‌فرماید: «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» یعنی عزیزترین کس نزد خداوند، پرهیزکار-ترینند.

در مورد بردگی باید گفت که دین مبین اسلام، از مخالفان شدید آن است و بهترین دلیل اینست که خداوند، توبه و دادن کفاره و استغفار از گناهان را آزاد کردن بردگان و بندگان شناخته است.

اسلام، آزادی اقتصادی و مالکیت فردی را محترم شناخته است. اسلام، نفوذ سیاسی مبتنی بر ثروت را تحریم کرده است و خواستار اجرای عدالت اجتماعی و وحدت اجتماع برای بنیان‌گذاری مجتمع اسلامی شده است. اسلام دستور داده است که ثروتمندان حقایق به مستمندان بدهند. خداوند عزوجل، در کتاب مقدس قرآن می‌فرماید: «کسانی که ثروتی دارند، باید سهمی به درمانده و مستمند بدهند».

اما در خصوص زن، خداوند در شریعت اسلامی، همان مقام را از ناحیه آزادی فردی و آزادی سیاسی که به مرد داده است، به زن نیز اعطاء فرموده است. زن حق هر گونه دخل و تصرف در مال خود دارد. حق دارد همسر

خود را انتخاب کند. حق دارد درس بخواند و با سواد شود. حق دارد درزندگی سیاسی مداخله کند و حق دارد که درزندگی عمومی شرکت جوید و می تواند مورد اعتماد قرار گیرد.

اسلام، نیمی از میراث مرد را به زن داده است و فلسفه آن نیز اینست که اصولاً مرد مسؤول زندگی خانه و خانواده است و شرعاً باید زندگی آنها را تأمین کند.

اسلام، گذشت را توصیه می کند. از تعصب بیزارست و ازین رومی بینیم به اقلیت های غیرمسلمان که در کشورهای اسلامی زندگی می کنند، همان آزادی های فردی و اجتماعی که مسلمانان از آن برخوردارند، اعطاء شده است.

همین نظر گذشت، موجب شده است که اقلیت های غیرمسلمان: مسیحی و یهودی - در دولت اسلامی، قرن های طولانی در جوار مسلمانان و در کشورهای مختلف اسلامی زندگی کنند. افراد غیرمسلمان در پناه حمایت دولت خوش بخت بودند و در نتیجه همین روح گذشت و نرسانیدن آزار به دیگران که در دین مبین اسلام مقرر شده است، عده کثیری از مسیحیان و یهودیان توانستند ثروت های هنگفتی بپندوزند و احدی چشم داشتی از آنان نداشت.

اسلام، همان طور که قبلاً گفتیم، به اصل آزادی اقتصادی احترام می گذارد. خلاصه اگر این آزادی، در راه خدمت به مردم و مصالح آنها باشد و در جهت منافع مردم

به کاربافتد. مالکیت شخصی و حق ارث، دو قانون ثابت در شریعت اسلامی است، معهذا اسلام همیشه سعی کرده است يك نوع رژیم سوسیالیستی بر اساس تعاون مشترك و وحدت ملت باشد.

اسلام در خصوص معاملات و بازار گانی طریقه‌ای دارد که شایسته تأمل است. اسلام می گوید که اگر به کسی بدهی دارید و یا از کسی طلب کارید، بی اینکه اصل مبلغ یا مال از نظر کم بودن یا زیاد بودن مورد توجه باشد، بساید قید کنید و در صورت امکان گواه بگیرید. مخصوصاً تاریخ گرفتن یا دادن پول و جنس و تاریخ پس گرفتن یا پس دادن آن را همیشه یادداشت کنید. خداوند کریم در قرآن مجید می فرماید: «اگر از کسی قرض گرفتید و وعده دار بود، یادداشت کنید».

اگر به تکوین اجتماعی نگاه کنیم می بینیم که خانواده، نمونه‌ای از وحدت اجتماعی است. اسلام روابط زناشوئی را با توجه به رسیدن بلوغ در میان دختر و پسر برای امکان توالد و تناسل مورد توجه قرار داده و رعایت آن را واجب شمرده است.

مرد، مسؤول تأمین نفقه خود و همسر خویش است و علاوه بر آن مسؤولیت تربیت و نگاه‌داری فرزندان را به طور کامل بر گردن دارد و همان طور که قبلاً ذکر کردم، اسلام

روی این مسئله تکیه خاص کرده است .

در حدیث شریف نبوی آمده است که هر مسلمانی، وظیفه‌دار حمایت از دیگران است. درین جا حضرت رسول خواسته است بفهماند که دوبرادر مسلمان لازم و ملزوم همدیگرند و در برابر یکدیگر مسؤولیت دارند.

اسلام، به امر زناشوئی و توالد و تناسل به خاطر حفظ سلامت اجتماع اهمیت خاص داده است. اسلام، دعوت به پرهیز از زناشوئی و زندگی مجرد دائم را منع کرده است. همچنین اسلام مخالف تحدید نسل است، خاصه که وقتی برای یک فرد مسلمان تأمین آذوقه و معاش فرزندان و نیز صحت و سلامت خودش میسر باشد، باید حتماً زناشوئی صورت گیرد. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «ازدواج کنید. تولید نسل کنید. من در روز قیامت بین ملت‌های دیگر به شما افتخار خواهم کرد.»

برای حفظ سلامت اجتماع، اسلام، زنا را شدیداً منع فرموده است. زیرا زنا باعث تضعیف اجتماع و از بین بردن خانواده و انتشار بیماری‌های مختلف و مضربه حال اجتماع می‌گردد.

در مورد تعدد زوجات که اسلام آن را در حدود و چهارچوب مقرراتی - چهار زن - مقرر فرموده است. در درجه اول برای مصالح اجتماع و تأمین آسایش است. البته اگر کسی بخواهد چندین زن بگیرد، باید شرایطش

فراهم باشد. در صورتی که همسر مرد بیمارست و یا زن نمی‌تواند برای مرد، فرزندی به وجود آورد، اسلام اجازه ازدواج مکرر داده است. فلسفه دیگر اینست که طلاق دادن را به شدت محکوم کرده است. اگر مردی همسر تازه‌ای اختیار کرد، نباید همسر اولش را طلاق دهد، زیرا دیگر چه کسی عهده‌دار مخارج او می‌شود؟

در مورد تعدد زوجات، اسلام، شرط رعایت عدالت را بین زنان لازم دانسته است و البته خود توضیح داده است که رعایت عدالت، فوق‌العاده بین آنها دشوارست و ترجیح می‌دهد که مرد، يك زن بیشتر نگیرد. در قرآن کریم این موضوع، به وضوح مورد اشارت قرار گرفته و می‌فرماید:

«فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى وثلاث ورباع، فان خفتن الاتعدلوا، فواحدة»

یعنی: از زنان، هر چند که خواستید، دو یا سه یا چهار را به زنی بگیرید. ولی اگر می‌ترسید که رعایت عدالت را نکنید، به يك زن اکتفاء کنید». و در جای دیگر، در قرآن مجید آمده است: «ولن تستطيعوا أن تعدلوا بین النساء ولو حرصتم» یعنی: حتی اگر علاقه‌مند باشید که بین زنان عدالت برقرار کنید، نخواهید توانست.

درباره تعدد زوجات، هر چه می‌خواهند بگویند و

هر نظری بخواهند ارائه دهند، حقیقت اینست که تعداد زوجات در مواقعی که تعداد زنان بیش از مردان باشد، بهترین راه حل برای از بین بردن بحران‌های اجتماعی است. ملت‌هایی که وارد جنگ می‌شوند، پس از جنگ می‌بینند که تعداد زیادی از مردان درین جنگ‌ها کشته شده‌اند و طبیعی است که درین حالت، تعداد زنان بر مردان می‌چربد.

از سوی دیگر باید بگوئیم که مردها نیروی تولیدکننده در اجتماع هستند، در حالی که زنان قسمت ساده‌ای از چرخ اجتماع را می‌گردانند. با این حساب، منظورم اینست که تلفات مردان بیش از زن‌هاست و حتی در زمان صلح نیز تعداد زنان بر مردان می‌چربد.

اخلاق، اساس صحیح حیات اجتماعی است و روی این اصل اسلام، اهمیت بسیار بدان داده است. حتی بدون مبالغه می‌توانم بگویم که اسلام، قبل از هر چیز دین اخلاق است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که آخرین فرستاده خداست، توضیح داده است که «من برای آن مبعوث شدم، تا اخلاق را به حد کمال برسانم».

کافی است بگوئیم که زندگی حضرت محمد صلوات الله علیه و اقدامات شخصی اش، حتی در ایام طفولیت، نمونه‌ای بود که از هر لحاظ قابل پیروی بود و بر اثر همین اخلاق حسنه و جوان مردی لقب «صادق امین»

گرفت. از هر جهت قابل اقتداء بود. در جوانمردی و گذشت و یاری درماندگان و مستمندان، نمونه‌ای بود که تاریخ بشریت نظیر آن را به خود ندیده است.

در قرآن کریم، آیه‌های بسیاری در لزوم رعایت اخلاق و داشتن صفات پسندیده نازل شده است. هر جا در قرآن صحبت از اخلاق است، صحبت از اخلاق حمیده و آراستگی است. در قرآن کریم، به صفت «اعتدال» اهمیت بسیار داده شده است که انسان باید در همه رفتارهای خود آن را رعایت کند.

فردی که معتدل باشد، در همه مسائل می‌داند چگونه رفتار کند. در خرج کردن، در پذیرائی، در دوستی و فداکاری، همه از اخلاق و اعتدال در اخلاق سخن رفته است.

خداوند در کتاب مقدس و آسمانی خود می‌فرماید: دست‌های خود آن‌قدر میند که به گردنت نزدیک باشد و آن قدر باز مکن که مورد ملامت قرار گیری و حسرت بخوری».

اسلام، همواره با طبیعت انسان در جلو گیری از تجاوز به خود همراهی کرده است. در عین حال خواستار آن است که گذشت ارجحیت دارد. يك انسان معتدل آنست که گناه را ببخشد و از یاد ببرد. خداوند قادر متعال در کتاب آسمانی می‌فرماید: «پاداش بدی، بدی است، ولی هر کس گذشت کرد و کارش را به مصالحه کشانید،

پاداش آن را از خداوند خواهد گرفت».

اسلام با نواحی مادی زندگی نیز سازگاری دارد و ازین رومی بینیم که اسلام هر گونه لذت بردن از زندگی را ضمن قوانین و نظام شرع مبین مجاز می‌داند. درین باره پروردگار تبارک و تعالی می‌فرماید: «خداوند اجازه می‌دهد که بندگانش از طبیبات رزق و روزی بهره‌ور شوند».

طبیعت بشر همان گونه که در بالا شرح دادم، اجازه تعدد زوجات را طبق شرایط خاصی می‌دهد و بار هبائیت که مسیحیان برخلاف دستور کتاب آسمانی شان انجیل، آن را بدعت گذاشته‌اند مخالفت می‌ورزد. خداوند درین باره می‌فرماید: «رهبانیت را آنها بدعت گذاشته‌اند و مادر کتاب مقدس آن را اجازه نداده‌ایم».

در گذشته گفتیم که اسلام مخالف بردگی و بندگی است و همه جا توصیه شده است که با خدمتگزاران و خدمه نیک رفتاری بشود. اسلام دستور داده است که حال یتیمان و صغیفان از طرف مردم رعایت گردد.

اما روش فرزندان در قبال پدر و مادر، باید گفت که اسلام، بالاترین و منزه‌ترین مقام را به آنها داده است، زیرا پدر و مادر، پایه و اساس بافت خانواده هستند. این پدر و مادرند که فداکاری می‌کنند، متحمل هزاران گونه رنج و زحمت و مشکلات برای باروری فرزندان خود می‌شوند و

همیشه هدفشان اینست که آنها را با تربیت صحیح برای آینده تربیت کنند. از خردسالی تا روزی که بزرگ شوند و بعد از آن و تا روز مرگ، چشم پدر و مادر به دنبال فرزندان است. خداوند کریم در قرآن مجید احترام به پدر و مادر را در صدر بسیاری از اوامر قرار داده است و می‌فرماید:

«امر خداوند اینست که جزا و هیچ کس را نپرستید. به پدر و مادر احسان کنید و حتی به آنها اف نگوئید و بی احترامی نکنید و همیشه با آنها به نیکی و احترام صحبت کنید.... همیشه بگوئید که خداوند آنها را رحمت کند، همچنانکه در خردی مرا پرورش دادند».

اسلام ضمن دعوت به حب نفس، به برادری نیز دعوت کرده است. زیرا هر دو عامل، به وحدت اجتماع کمک می‌کند و وحدت اجتماع شامل همه می‌شود. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «همان را که برای خود دوست داری، برای برادرت دوست بدار».

من باز تکرار می‌کنم که مسلمانان خواه به صورت انفرادی و خواه به صورت مجموع، يك بنای متجانس و هم بسته هستند و اجازه داده نمی‌شود که در میان آنان اختلاف انداخته شود.

از نظر صحت و سلامت و امید در اجتماع، اسلام موضوع کيفرو پاداش را مورد توجه خاص قرار داده است.

مجازات برای حفظ بنیه اجتماع و از نظر مبارزه با خطا و گناه عمد، ضرورت بسیار دارد. هر کس آدم بکشد باید کشته شود و هر کس خطائی علیه مصالح اجتماع کرد، باید تاوان پس بدهد.

اسلام مانند سایر ادیان آسمانی، راست گوئی وفای به عهد و امانت داری و لزوم شهادت دادن صحیح را مورد توجه خاص قرار داده است. در قرآن کریم آمده است: «شهادت را کتمان نکنید. هر کس این کار را بکند، مرتکب گناه شده است».

اسلام معتقدست که پاداش نیکی را باید به نیکی داد و حتی در مقابل يك امر نيك، باید پاسخ آن را به نیکی بیشتر داد. خداوند در قرآن کریم فرموده است: «اگر کسی به شما نیکی کرد، با نیکی بیشتر پاسخ او را بدهید» در مورد امانت داری می فرماید: «امانت ها را همیشه به صاحبانش برگردانید» و راجع به داد گستری و قضاوت صحیح می فرماید:

«اگر بین مردم داور شدید، با عدالت داورى کنید». البته اگر من بخواهم صفات برجسته را در دین اسلام بر شمرم، وقت و جای زیاد می گیرد. خلاصه درین مورد هر چه بگویم، کم گفته ام، زیرا اساس دین اسلام بر احترام به اجتماع و اتحاد و اتفاق است.

تردیدی نیست فرائض دینی که در اسلام آمده است، فلسفه و حکمت خاص دارد: پنج نوبت نماز در روز، روزه در ماه رمضان، زکات مال و منال، حج برای کسانی که بتوانند مخارج آن را تأمین کنند، همه برای اینست که نفس آدمی از آلودگی پاک گردد، روح را زنده نگاه دارد و روابط بین ملت اسلام را در همه نقاط عالم استوار گرداند.

اگر فقط تنها به نماز نگاه کنیم، می بینیم که بهترین عامل برای تطهیر نفس و یادآوری رحمت الهی است. روزه، یکی از شاهکارهای شریعت اسلامی است. روزه در انسان احساس گرسنگی را برمی انگیزد. فقیر و مستمند را به یاد ما می آورد، فقیر و مستمندی که غذای روزانه خود را ندارند.

زکات نیز از لحاظی شبیه روزه است. به ثروتمند یادآوری می کند به پاس نعمتی که خداوند به وی ارزانی فرموده است، سهمی به فقیر و درمانده بدهد.

فلسفه حج نیز در ردیف سایر شرایع اسلامی است. در آن روز است که فقیر و ثروتمند، رئیس و مرئوس، همه یکسان در برابر خداوند قرار می گیرند. همه به یکسان عظمت و مرحمتش را گرامی می دارند.

از نظر تمدن، می بینیم که اسلام همواره منطقی فکر کرده. است.

اگر ملاحظه می‌شود که مسیحیت از طریق حضرت عیسی مسیح علیه‌السلام معجزاتی داشته است، مانند زنده کردن مردگان و شفادادن نابینایان و جذامیان به قدرت خدای متعال. و اگر یهودیت از طریق حضرت موسی علیه‌السلام معجزه‌هایی داشته است، نظیر تبدیل چوب دستی به مار و یا شکافتن دریا و ازدست خود نوردر آوردن، باید بگوییم که اسلام بزرگ‌ترین معجزه عقلانی داشته است و آن نازل شدن قرآن کریم است.

خداوند با نازل کردن قرآن مجید، بر بندگان خود حق زیادی دارد و از آنها می‌خواهد که به درک معانی قرآن بکوشند. قرآن پراست از موعظه، داستان‌های تاریخی واقعی و اطلاعات علمی ثابت که هیچ‌گونه تردیدی در آن راه ندارد.

قرآن، عقل بشر را به تفکر درباره عظمت و اهمیت این کائنات و اکتشاف اسرار آن وامی‌دارد.. اسراری که تا به حال کشف نشده است. قرآن انسان را وادار می‌کند که درباره خودش فکر کند، زیرا نفس خلقت بشر خود معجزه است. معجزه قدرت حق باری تعالی.. معجزه‌ای که باید درباره آن اندیشید و تفکر کرد.

قرآن مجید درین باره می‌فرماید: «در باره خلقت زمین و آسمان ها فکر می‌کنند» و باز می‌فرماید: «آیا درباره خود نیندیشیده‌اید؟» و یا «آیا به آسمان بالای خود نگاه

نکرده‌اند که چگونه آن را بنیاد نهادیم وزینت دادیم...» و
بالاخره می‌فرماید: «واز دانش و علم، جز اندك نیاموخته‌اید».

خداوند قادر متعال به علم ارج می‌گذارد و قدر
دانشمندان را در قرآن بالا برده است. در قرآن آمده است:
«به درستی که خداوند از بندگان دانشمند خود می‌ترسد».
علم و معرفت منحصر به مردها نیست. زنان پایه پای
مردان باید دانش‌اندوزی کنند و بسیاری از زنان در تاریخ
درخشان اسلام، در جهت ترویج علم و دانش کوشیده‌اند
و نام نیکی از خود به یادگار گذاشته‌اند.

روش اسلام در قبال جنگ باید فهمیده شود. اسلام،
همان گونه که گفتیم، دین صلح و آرامش و سلامت و وحدت
اجتماع است. در قرآن مجید آمده است: «اگر دیدید که
دو گروه از مؤمنان با یکدیگر به نزاع پرداختند، بین آنها
آشتی برقرار کنید».

اسلام، مخالف تجاوز است و در قرآن آمده
است: «خداوند، تجاوزکاران را دوست ندارد» اما در
عین مخالفت با تجاوز، اجازه می‌فرماید که در برابر تجاوز
باید از خود دفاع کرد. در قرآن کریم آمده است: «اگر به
شما تجاوز کردند، به همان گونه که به شما تجاوز کرده‌اند،
شما نیز به آنها تجاوز کنید».

با تمام این احوال، قرآن امر می‌فرماید که اگر یکی

از طرفین خواستار صلح شد و یا تسلیم شد، فوراً جنگ و خونریزی خاتمه یابد. خداوند تبارك و تعالی در قرآن مجید می فرماید: «اگر تسلیم صلح شدند، شما نیز کوتاه بیائید».

در مورد حج قبله گفتم و باز تکرار می کنم که به منظور حفظ صلح و هم زیستی، خداوند حج را به عنوان يك کنگره سالیانه مقرر فرموده است و بسیاری از مشکلات بین مسلمانان درین کنگره از بین می رود.

اینکه دشمنان اسلام می گویند دین ما با زور به مردم تحمیل شده است، دروغی است بزرگ و بهتانی است عظیم. این حرف بکلی از حقیقت به دور است. انتشار اسلام نتیجه تعالیم انسانی و بی نظیر است. در نتیجه این تعالیم بود که میلیون ها تن به این کیش گرویدند. خداوند می فرماید: «در دین اجبار نیست» و به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: «بازبان بهتر با آنها مجادله کنید». همچنین می فرماید: «اگر خشن باشید، مردم از اطراف شما پراکنده می شوند» و در جای دیگر فرموده است: «آنها را ببخش و گناهانشان را نادیده بگیر».

اثبات اینکه قرآن به ضرب شمشیر انتشار نیافته آسان است. کشورهایی که دین اسلام را پذیرفتند، به میل خود

کیش جدید را پذیرا شدند و هر کس صاحب هر دین بود آزادی کامل داشت که دین خود را حفظ کند و یا به دین جدید بگردد. در مصر، نمونه کامل این آزادی هنوز به عیان دیده می شود. قسمتی از مردم دین جدید را پذیرفتند و قسمتی در آئین مسیح باقی ماندند که هنوز هم پای بند به آن هستند.

همین وضع را در سراسر کشورهای جهان اسلام مانند سوریه، ایران، حبشه، شمال آفریقا و اسپانیا به وضوح می بینیم.

این مرور سریع به فلسفه اسلام، برای مارو شن می کند که اسلام تنها دینی است که با طبیعت انسان و بنیاد اجتماع سازگار است.

خلاصه می توان نتیجه گرفت که تمدن جدید باید از تعالیم اسلام مایه بگیرد، زیرا تمدن جدید، صرفاً مادی گری است، در حالی که روح نیز اهمیت دارد و به همین دلیل است که تمدن جدید دچار ضعف است و شاید پارا از آن فراتر بگذارم و بگویم دچار بحران است.

پایان

نمونه‌های دیگری از نظریات جمال عبدالناصر

درباره دین‌مبین اسلام

که بمناسبت‌های گوناگون اظهار داشته است

« . . . وقتی با خضوع و خشوع در برابر خانه کعبه به سجده افتادم، حس کردم که افکار تمام کشورهایی که تحت لوای اسلام زندگی می کنند، دربر گرفته ام. آنگاه به خود گفتم:

« مسافرت حج می تواند يك نیروی عظیم سیاسی بشود. مطبوعات دنیا باید به این موضوع توجه داشته باشند. نه از نظر آداب و رسوم و سنت های مذهبی، بلکه از نظر يك کنگره سیاسی دائمی که هر سال رهبران دول اسلامی، لیدرهای احزاب، روحانیون عالی قدر، نویسندگان و بازرگانان، صاحبان حرفه و صنایع و همچنین جوانان را به منظور مطالعه و بررسی جهات اصلی يك سیاست مشترك بین همه ملل اسلامی در يك نقطه جمع می کند.

من می خواستم که مردم در عین حال که درین مراسم مقدس شرکت می کنند، بدون طمع و بلندپروازی و خودخواهی، ولی فعالانه، مطیع

خداوند، اما با ترس از رقیب در اندیشه دنیای
علوی باشند ولی به خاطر داشته باشند که در روی
همین زمین خاکی نیز وظیفه‌ای دارند که باید
انجام دهند.

زمانی که مجسم می‌کنم هشتاد میلیون
مسلمان در اندونزی، پنجاه میلیون در چین، چندین
میلیون در مالزی و سیام و برمه، تقریباً یکصد میلیون در
پاکستان، بیش از یکصد میلیون در خاور میانه،
چهل میلیون در اتحاد جماهیر شوروی و چندین
میلیون در نواحی دور دست دیگر بسر می‌برند،
وقتی مجسم می‌کنم که این صدها میلیون انسان
با رشته يك ايمان و عقیده واحد به هم پیوسته‌اند،
اطمینان و امید من به امکان اتحاد و پیوستگی این
مسلمانان بیش از پیش نیرو و قوت می‌گیرد.
این پیوستگی بی‌هیچ شك و تردید،
چوب بست عظیم قدرت و نیروی ما خواهد شد.»

از قسمت آخر کتاب «فلسفه انقلاب»

«... قشون اسلام، به عنوان يك نیروی استعماری
وارد خاك مصر نشد. دین جدیدی بر اصول صحیح به ملت
مصر عرضه کرد و همه افراد مصر آن را با جان و دل پذیرفتند.

سرعت انتشار اسلام در مصر بیش از آن بود که به وصف آید و از همه جالب تر اینکه دین جدیدی که از آن سوی دریا آمده بود، با طبیعت و روحیه مردم مصر سازگار بود. همین ملت به صاحبان ادیان سابق که نخواستند بودند کیش جدید را بپذیرند. اجازه داد همه اعمال و روش خود را دنبال کنند. معابد و کلیساها بر سر جای خود باقی ماند و تا به امروز بین اسلام و مسیحیت برادری و یک رنگی کامل باقی است . . . »

(از نطق عبدالناصر در اسکندریه - ۱۹۵۹)

«هروقت به عظمت اسلام در گذشته فکر می کنم، می بینم که مسلمانان در پرتو نیروی ایمان توانستند کیش خود را از شرق تا غرب، در دنیای آن روز گسترش دهند. آیا روزی می رسد که آن عظمت تجدید شود؟.. من به چنین روزی امیدوارم. جز اینکه عده ای فاسد و مردم آزار موجب شدند که مسلمانان دچار انحطاط شوند، عامل دیگری وجود نداشته است. اکنون قسمت عظیمی از ملت اسلام با سواد است. حجاب جهل و بیسوادی و عوامل سودجویه تدریج زایل می شود و آن وقت است که اسلام، رونق دیرینه خود را بر مبنای صحیح باز خواهد یافت.

«ما در دوره ای نیستیم که سردار برجسته ای چون طارق ابن زیاد، اندلس را برای ترویج اسلام فتح کند. ما باید با وسایل جهان امروز خود را منطبق سازیم. بدعت هایی

که به نام دین ایجاد شده و خرافات که به وسیله بعضی
عناصر سودجو وارد دین گشته است، از بین ببریم و یقیناً
آن روز است که اسلام، عظمت خود را بازخواهد یافت..»

(از نطق عبدالناصر در دانشگاه الازهر - ۱۹۶۱)



«... به عنوان يك فرد مؤمن و معتقد به دین مبین اسلام و رسالت حضرت محمد، درین مجلس مقدس عرض می کنم که امیدوارم پرچم اسلام درین کشور همچنان در اهتزاز باشد.

«فراموش نکنیم که بعثت یکی از بندگان خدا برای راهنمایی بشر و انتخاب او از میان مردم شبه جزیره العرب، تا چه اندازه از روی حکمت بوده است. خداوند فردی را برای این کار برگزید که در همه عمرش تا روزی که مبعوث شد، کوچک ترین خطائی مرتکب نشده و همواره حامی درماندگان و ضعیفان بوده است.

«این روز مقدس و فرخنده را به همه مسلمانان جهان تبریک می گویم و امیدوارم در پرتو هدایت الهی و استفاده از تعالیم محمدی بتوانیم بسر منزل مقصود برسیم...»
«از نطق جمال عبدالناصر در «حلوان» مصر
به مناسبت عید مبعث»

«... این ماه ایمان، ماه محبت، ماه برکت خداوندی، ماه احسان و انفاق از جانب خودم و همه ارکان دولت مصر، به شما تبریک می گویم. ماه رمضان، تنها ماه عبادت نیست. ماهی است که باید دل ها به هم نزدیک گردد، به مستمندان و نیازمندان احسان شود و از آنچه خداوند به شما ارزانی داشته است، سهمی ولو ناچیز به این قبیل افراد داده شود. خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می فرماید: ماه

رمضان که قرآن در آن نازل شده است، برای مردم منبع خیر و هدایت است. هر کس از شما، ماه را دید، روزه بگیرد و هر کس بیمار و یا در سفر بود، جای ایام بیماری و سفر را بعد از روزه بگیرد. خداوند خواستار راحت شماست نه دشواری تان...»

آیا ازین بهتر می‌خواهید؟ خداوند ضمن اینکه فرمان روزه گرفتن را صادر می‌کند، توصیه می‌کند که اگر بیمارید و یا در سفرید، از گرفتن روزه خودداری ورزید، زیرا خداوند خواستار راحت و آسایش شماست. من نمی‌خواهم درباره فضیلت روزه حرفی بزنم و همین قدر که امر خداوند در این مورد صادر شده به معنای بودن فوائد بسیار در آنست والا غیر ممکن بود که خداوند امری بر زبان مخلوق خود صادر کند...»

از نطق جمال عبدالناصر به مناسبت آغاز
ماه مبارك رمضان - ۱۹۶۱

«... درست است که استعمار و سوجدوئی بسیاری از مردم و بالاخره حکومت جهل و نادانی، ما را مدت‌ها از هم دور کرد، ولی اینك خوشوقتم که از آن سوی دریای مدیترانه به این سویش آمده‌ام و باشما مردم مسلمان نيك-نهاد سخن می‌گویم.

«البته دریا بین ما فاصله انداخته است، ولی این فاصله بانزدیک بودن دل و ایمان، مسئله‌ای نیست. برای من

موجب بسی افتخارست که امروز خود را در میان شما می بینم و یقین دارم اصولی که دین مبین اسلام نزدیک به چهارده قرن ما را به هم نزدیک کرده است، همچنان از استحکام برخوردار است.

«تصور می کنم نه تنها ملت مصر با شما در پیروی از این اصول هم داستان است، بلکه همه ملل اسلامی از اوقیانوس اطلس تا اوقیانوس کبیر خود را به شما نزدیک می بینند.

«تعالیم اسلامی از روزی که به وسیله خاتم الانبیاء وضع شده تا به امروز صلابت و صیقلی بودن خود را نشان داده است و من نیازی نمی بینم که درین باره به شما توضیحی بدهم.

«نیاکان شما با قبول دین مبین اسلام، در حقیقت آخرین دین آسمانی را پذیرفتند و به ندای حق لبیک گفتند.

«از درگاه ایزد متعال برای همه ملت یوگسلاوی و مخصوصاً مردم مسلمان آن طلب توفیق و کامیابی می کنم و یقین دارم که در پرتو دین مبین اسلام، روزهای درخشان تر و روشن تری در پیش خواهیم داشت.»

از فطک جمال عبدالناصر در دانشگاه سراجوو

- یوگسلاوی - ۱۹۶۱

آنچه که در جهت مصالح و منافع توده مردم است، از طریق فرستادگان خدا به مردم ابلاغ شده است. اسلام

ضمن توجه به همه مسائل زندگی، مسائل عمومی و طبقات مختلف را نیز فراموش نکرده است. مسئله‌ای که امروز می‌خواهم در پیرامون آن صحبت کنم، موضوع توجه اسلام به جوانان است.

هرچند که زناشوئی از تاریخ خلقت بشر وجود داشته است، اما اسلام به ازدواج که در واقع جلوگیری از فساد جوانان است، توجه خاصی مبذول داشته است.

اسلام، عفت و عصمت را مقدس می‌شمارد و آن را یکی از ارکان بقای اجتماع می‌داند.

در برابر این عصمت و عفت، زناشوئی قرار گرفته است که بطور کلی، جوانان را از هرزگی و بدآموزی دور نگاه می‌دارد.

اسلام، هر گونه آلودگی را منع می‌کند و آن را برای اجتماع زیانمند می‌شناسد و به همین دلیل است که نوشیدن مشروبات سکرآور در تعالیم اسلام ممنوع شده و مردم را از آن برحذر داشته‌اند.

ممکن است جوان‌های ما ارزش تعلیمات آسمانی را درك نکنند، ولی برای کسانی که سن و سالی از آنان گذشته است و مضرات آلودگی و خاصه اعتیاد به مشروبات الکلی را متوجه شده‌اند، ارزش این تعلیمات را خوب می‌دانند.

نسل جوان مصری، خوش بختانه از نسل‌های خوب

اجتماع امروزست و من عقیده دارم که آلودگی جوان
مصری از همگنان کمترست، زیرا جوان مصری فی الواقع
پای بند به دین و معتقدات مذهبی است.

من به این جوانان افتخار می کنم و آرزو دارم که
تمسك و پای بندی خود را به دین حفظ کنند و در راه اعتلای
نام جوان مصری بیش از پیش کوشا باشند.

در دانشگاه عین شمس (قاهره)

۱۴ ژوئن ۱۹۶۳

نقش قاضی به عنوان جلو گیری از ظلم و استبداد،
در شریعت اسلامی بسیار مهم است. اما مهم تر از دفع و
رفع ظلم فردی، مبارزه با ظلم و استبداد در برابر منافع
عمومی است و روی این اصل باید توجه داشت که در تاریخ
اسلامی، نام قضات شجاع و بی باک که در برابر سلطه و
قدرت حکام وقت به نفع مردم مقاومت کرده اند، به نیکی
ثبت و ضبط شده است.

از نطق عبدالناصر در کانون قضات

دادگستری ۱۶ ژانویه ۱۹۵۹

مسلمانان درین عصر، بیش از هر وقت دیگر نیازمند
به نوسازی اساس های فکری و فرهنگی و اجتماعی هستند
تا بتوانند بار دیگر نقش والای خود را در تمدن بشری خواه
در اجتماع اسلامی و خواه در اجتماع جهانی ایفاء کنند.

دولت های استعماری همواره کوشیده اند که بنیان

اجتماعی اسلامی را ضعیف سازند و عوامل تخریب کننده را وارد مجتمعات اسلامی کنند و متأسفانه ضعف حکومت های اسلامی در ادوار گذشته موجب شده است که رخنه عوامل و عناصر مخرب بیش از پیش، اجتماع اسلامی را متزلزل سازد.

آنچه را که اجتماع غربی می پسندد، برای اجتماع اسلامی مطلقاً مناسب نیست، مادرای سنن و عاداتی هستیم که با آنها بار آمده ایم و نمی توانیم از آنها که بر اساس اخلاق و پای بندی به دین است، چشم بپوشیم.

خداوند قادر متعال، ناظر بر اعمال ماست و ما باید در راه رضای خداوند وسعادت و نیک بختی ملل اسلامی گام برداریم و آنچه را که غربی ها دیکته می کنند و ممکن است برای اجتماع آنها مفید و مناسب باشد، از غربال حقیقت و واقعیت بگذرانیم و قسمتی را که مفید تشخیص می دهیم، بپذیریم و بقیه را به دور بیندازیم.

از نطق عبدالناصر در عید کارگر - حلوان -

۱ مه ۱۹۵۹

اسلام، تنه‌دینی است که اجتماع را بر فرد مقدم می دارد. در هر صفحه قرآن مجید و هر قسمت از حدیث شریف، می بینیم که خداوند و فرستاده خداوند، بواجتماع برحق مردم و حق اکثریت تکیه کرده اند.

روی این اصل است که حکومت های دمکراسی،

مکتب فردپرستی و فردخواهی را کنار گذاشته اند و بی تردید
این افکار مرفقی را اسلام، قرن ها پیش عرضه کرده است
و اگر می بینیم که جهان اسلام در قرن های اخیر از نظر نشان
دادن خود عقب رفته است، دلیلی جز غلبه روحیه فرد-
پرستی بر توجه به اجتماع غلبه کرده ندارد.

از نطق عبدالناصر - قاهره

۱۱ ژوئن ۱۹۵۸



قبلا منتشر کرده ایم:

ما و مسئله فلسطین

بقلم:

جمال عبدالناصر

ای مسلمانان

خدا و فرستاده‌اش را اطاعت کنید . دست به دست همدیگر بدهید .
هر کس با شما دشمنی ورزید ، با او دشمنی کنید و هر کس با شما دوستی کرد ،
با او از در دوستی در آئید . دچار اختلاف نشوید و تا می‌توانید از آن پرهیز
کنید .

من این کلام را از صمیم قلب و از ایمان واقعی ام به اسلام می‌گویم .
دست خود را به هم بدهید و از وسوسه دشمنان بدور باشید .
امیدوارم دعوت صمیمانه و قلبی مرا بپذیرید .

جمال عبدالناصر



بنگاه اشعار آریان

خیابان شاهرضا روبروی دانشگاه